

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه بلد

استاد ضرابی فروردین ۱۴۰۰

جلسه اول ۱۴۰۰/۱/۲۰

آیه شریفه : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - به نام خداوند رحمتگر مهربان»

عنوان: سلامی دیگر بر اهل ایمان از سوی پروردگار عالمیان

در طلوع یک صبح جدید وقتی سلام می‌کنی و آرزوی یک روز پر توفیق و پر برکت را برای دیگران داری، آیا به این بشارت هم توجه کرده‌ای که طلوع خورشید و صبحی جدید سلامی از سوی خداوند مهربان است؟ سلامی که فقط لفظ نیست، بلکه اهداء بی‌دریغ زندگی و حیاتی جدید است.

همچنین وقتی به « بسم الله الرحمن الرحيم » هر سوره جدید می‌رسی، آن هم تحیات و برکات بر مؤمنین از سوی حق‌متعال است ؛ و همانطور که جواب سلام واجب است، جواب سلام پروردگار مهربان به طریق اولی واجب است که همان بهره‌برداری درست از نعمت‌ها در مسیر شکرگزاری و بندگی او در هر روز از روزهای زندگی است.

در برابر تحیات و برکات « بسم الله الرحمن الرحيم » بر مؤمنین و مؤمنات، در ابتدای هر سوره ، جواب تحیات و سلام نیز واجب است « وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا - هر گاه شما را

تحیت و سلامی گفتند شما نیز باید به تحیت و سلامی بهتر از آن یا مانند آن پاسخ دهید، که خدا به حساب هر چیزی کاملاً خواهد رسید. «(نساء/۸۶)

جواب تحیت سلام خداوند در ابتدای سوره نیز همان التفات و توجه قلبی جهت درک و فهم خوب سخنان او و نیت اطاعت و بندگی است.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره ادب قرائت قرآن فرمودند: «... قفوا (قفوا) عند عجائبه، و حرکوا به القلوب، و لا یكون هم أحدکم آخر السورة - ... وقتی به عجایب قرآن می‌رسید، توقف کنید و به تدبّر و تأمل بپردازید و با تلاوت آن دل‌ها را به حرکت آورید و با شتاب و بی تأمل نخوانید؛ به نحوی که بخواهید زود به آخر سوره برسید» (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۵)

حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب جمله می‌داند خدای حالگردان غم مخور
حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

عنوان: محور اصلی سخن و پیام سوره

با نگاهی به بدو و ختم و فراز و فرود آیات در این سوره شریفه، فهمیده می‌شود که نامردمی‌ها و جنایات طایفه قریش بر علیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و اصحاب آن حضرت محور اصلی سخن است که با نام «أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ» از آنها تقبیح شده است.

نیز تبعات و عقبات اعمال آنها در آخرت که با تنبّهات و هدایت‌های خاصی همراه گردیده، در مقابل پیروان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) قرار دارند که با نام «أَصْحَابُ الْيَمِينَةِ» از آنها یاد شده که اخلاص و گذشت و پایداری آنان مورد تمجید قرار گرفته است.

در آخرین آیه این سوره شریفه «عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ» فرجام شوم چنین مردمی را بیان می‌دارد که ادعای پاسداشت حرمت مگه را داشتند و خون پاک‌ترین و امین‌ترین مردم یعنی پیامبر خدا را حلال می‌شمردند.

فراز و فرود آیات میان سوره نیز به ابعاد این قضیه پرداخته است (به ویژه مسأله ناظر بودن خداوند به جمیع احوال انسان و مسأله گذر از عقبه در فردای قیامت) که با محتوای اولین و آخرین آیه منطبق است.

ناگفته معلوم است که پیام و محتوای این سوره شریفه اختصاصی به قوم خاصی ندارد و در صدد معرفی صفات جهنمیان و بهشتیان و ارائه تصویری از اوضاع آخرت است تا راهنمای جهانیان در یافتن راه سعادت باشد.

امام سجّاد (علیه السلام) در این باره فرمود: « فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ تَفَكَّرُوا وَ اَعْمَلُوا لِمَا خُلِقْتُمْ لَهُ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً ... - از خدا بپرهیزید بندگان خدا! و برای کاری که خلق شده‌اید، بیندیشید و عمل کنید. خداوند شما را بیهوده نیافریده و نه رهایتان کرده، خود را معرفی نموده و پیامبران (علیهم السلام) را فرستاده و کتاب خود را نازل کرده، در آن حلال و حرام را بیان نموده و حجت‌ها و امثال را توضیح داده؛ پرهیزکاری کنید! خداوند بر شما استدلال نموده و فرموده است: أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ* وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ* وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ- آیا دو چشمش نداده ایم* و زبانی و دو لب* و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم». (تحف العقول، ص ۲۷۲)

آیا خدایی که چشم و بینایی می‌دهد، شما را نمی‌بیند؟ آیا خدایی که به شما زبان و دو لب داد تا سخن بگوئید، با شما سخن نگفته است؟ آیا خدایی که شما را به خیر و شر امور آگاهی داد، از خیر و شر امور شما آگاهی ندارد؟ به راستی اگر پاسخ همه این پرسش‌ها در نزد شما مثبت است پس چرا زندگی‌تان را بر اساس منفی بودن پاسخ این پرسش‌ها بنا گذاشته‌اید؟ « فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ - پس شما به کجا می‌روید؟ (تکویر / ۲۶) »

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

از هزاران من نمی‌گویم یکی

زانکه آکنده است هر گوش از شکی

عنوان: جهالت‌ها ثمره قساوت‌ها

در ترجمه‌ها به تبع برخی تفاسیر، آیات « لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ* وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» خلاف معنای ظاهری آن ترجمه می‌شود: « قسم به این شهر مقدّس [مکه]، شهری که تو در آن ساکنی»

البته این ترجمه به ملاحظات دیگری صحیح است ولی آنچه احادیث وارده به آن توجه می‌دهد، خلاف این ترجمه رایج است؛ مانند روایت امام باقر (علیه السلام) در کافی شریف: « راوی می‌گوید درباره‌ی کلام خداوند متعال "لَا أُقْسِمُ

بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ" پرسیدم، ایشان فرمودند: «گناه، کسانی را که به آن (مگه مکرّمه) سوگند می‌خورند، بزرگ می‌شمارد. اهل جاهلیّت، مگه را بزرگ می‌داشتند و به آن سوگند نمی‌خوردند و حرمت خداوند را در آن پاس می‌داشتند و به کسی که در آن بود متعرّض نمی‌شدند و هیچ جنبنده‌ای را از آن بیرون نمی‌کردند، پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: "لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَ وَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ" آنان این شهر را بزرگتر از آن می‌شمارند که بخواهند به آن سوگند بخورند، حال آنکه حرمت خون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در آن حلال می‌شمارند». (کافی، ج ۷، ص ۴۵۰)

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: « عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ قَالَ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَحْلِفُونَ بِهَا فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ... - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی کلام خداوند عزوجل: سوگند به جایگاه ستارگان [و محل طلوع و غروب آنها]! (واقعه/۷۵) فرمود: «اهل جاهلیّت به جایگاه‌های ستارگان سوگند یاد می‌کردند، از این رو خداوند عزوجل فرمود: "فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ" و این‌گونه امر کسی را که چنین سوگندی یاد کند، بزرگ شمرد و بالا برد. اهل جاهلیّت ماه محرم و ماه رجب را بزرگ می‌داشتند و به آن دو سوگند یاد نمی‌کردند و در این دو ماه به کسی که در میان آنها رفت و آمد می‌کرد حتی اگر پدر یکی از آنان را کشته بود متعرّض نمی‌شدند و هیچ جنبنده‌ای را از گوسفند و بز گرفته تا هر حیوان دیگری از حرم بیرون نمی‌کردند، به همین خاطر خداوند عزوجل به پیامبرش (صلی الله علیه و آله) فرمود: "لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ" نادانی آنان به جایی رسیده بود که خون پیامبر (صلی الله علیه و آله) را حلال می‌پنداشتند، اما روزهای ماه را بزرگ می‌داشتند و به آنها سوگند یاد می‌کردند و به سوگند خود وفا می‌کردند» (وسائل الشیعه، ج ۲۳، ص ۲۶۴)

و نیز در فراز دیگری از سخنان خود می‌گوید: «إِنَّ قُرَيْشًا كَانُوا يُحَرِّمُونَ الْبَلَدَ وَ ... - قریش هر نوع آزار و اذیتی را در مگه حرام می‌دانستند؛ اگر کسی یک شاخ از درخت داخل مگه را بر خود می‌آویخت به او کاری نداشتند. حماد گفت: «وقتی از حرم خارج می‌شدند با این روشی که داشتند ناسزا گفتن و تکذیب پیامبر (صلی الله علیه و آله) را حلال می‌شمردند. خداوند متعال فرمود:

لَا أُفْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ* وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ أَنْ هَا مَكَّةَ رَا احْتِرَامِ مِیْ گِذَاشْتَنْد و آنچه رَا خِدا حَرَامِ کُردِه بُوَد حَلَالِ مِیْ دَانَسْتَنْد» (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۸۴)

پیام عام و همه شمول این تعارض در مقدسات در عرب جاهلیت و دشمنی ها با پیامبر خدا نشان دهنده قاعده و سنت فراگیر الهی است که « به هر اندازه زیر پا قرار دادن فطرت انسانی در وجود ما تحقق یابد به همان اندازه در جهالت و نادانی شقاوت بار متوقف باقی خواهیم ماند » ؛ و چه کسی است که بتواند خود را مبرا از این خطر هلاکت بار بداند. أعاذنا الله من شرور أنفسنا و سيئات أعمالنا.

دوران بقا چو باد صحرا بگذشت تلخی و خوشی و زشت و زیبا بگذشت
پنداشت ستمگر که جفا بر ما کرد در گردن او بماند و بر ما بگذشت

عنوان: بر فراز صراط، گردنه ای عبور ناشدنی

از مسائل تکان دهنده در این سوره شریفه ، اعلام عمومی گذر از عقبه در قیامت است؛ پیامبر عظیم الشأن اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: « إِنَّ فَوْقَ الصِّرَاطِ عَقْبَةً كُنُوداً طُولُهَا ثَلَاثَةُ أَلْفِ عَامٍ ... - بر فراز صراط، گردنه ای عبور ناشدنی قرار دارد که طول آن سه هزار سال است؛ هزار سال پایین آمدن است و هزار سال خار و خاشاک و عقرب و افعی و هزار سال بالا رفتن. من نخستین کسی هستم که از آن گردنه عبور می کند و دومین کس که از آن گردنه عبور می کند، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است... هیچ کس بدون رنج از آن گردنه عبور نمی کند به جز محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) او» (بحار الأنوار، ج ۸، ص ۶۶)

در تفسیر فرمایش رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: « نَحْنُ الْعَقْبَةُ وَ مَنْ اقْتَحَمَهَا نَجَا وَ بِنَا فَكَ اللَّهُ رِقَابَكُمْ مِنَ النَّارِ - ابان بن تغلب گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «فدایت شوم! معنای کلام خداوند متعال: فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقْبَةَ چیست؟ ایشان فرمود: «هر که را خداوند به ولایت ما گرامی دارد، او گردنه را پشت سر می گذارد و ما آن گردنه هستیم که هر کس از آن بالا رود، نجات می یابد». آنگاه من ساکت شدم، حضرت (علیه السلام) فرمود: «آیا می خواهی تو را از سخنی بهره مند سازم که برتر از دنیا و هر آنچه در آن است باشد؟» عرض کردم: «بله، فدایت شوم!» فرمود: «کلام خداوند متعال: فَكَ رَقَبَةً». سپس فرمود: «تمامی مردم

جز تو و یارانت، بندگان دوزخ هستند؛ چراکه خداوند با ولایت ما اهل بیت، گردن‌های شما را از دوزخ رهایی بخشید» (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۸۲)

عمر کان بی روی جانان بگذرد	از حساب عمر جانم نشمرد
بی جمالش مرگ بهتر از حیات	وصل او شد زندگی هجرش ممات
گر نماید دوست در دوزخ جمال	هست آن دوزخ بهشت اهل حال

عنوان: آنچه باید از رحمت نامنتهایش طلب کرد

در آغاز سوره مبارکه بلد در « بسم الله الرحمن الرحيم » با توسل به رحمت نامنتهایش به امید برآورده شدن چه درخواستی هستیم؟

انسان مؤمن بعد از آن که دانست عقبه‌ها در پیش دارد که صعوبت و گرفتاری آن فوق ادراک و تصور است « وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقْبَةُ » دست به دامن اولیاء حق می‌شود که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: « نَحْنُ الْعَقْبَةُ فَلَا يَصْعَدُ إِلَيْنَا إِلَّا مَنْ كَانَ مِنَّا - ما عقبه و گردنه هستیم به‌جانب ما بالا نمی‌رود، مگر کسی که از ما باشد » (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۸۱)

اقتدا به امام و ولایت او همان اقتدا به راه و روش قرآن است که آزاد کردن بنده، اطعام در روز سختی، رسیدگی به یتیمان و بینوایان خاک نشین است که آن هم با سفارش به شکیبایی و مهربانی همراه است؛ همان‌طور که تفصیل آن در این سوره شریفه بیان شده است.

و چه مناسب و زیبا در صلوات مخصوصه ماه شعبان المعظم آمده است «...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أُوجِبْتَ حُقُوقَهُمْ وَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ لَا يَتَهُمُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْمُرْ قُلُوبِي بِطَاعَتِكَ وَ لَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ * وَ ارْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَى مِنْ فَضْلِكَ وَ نَشَرْتَ عَلَى مِنْ عَذْلِكَ وَ أَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ... - خدایا درود فرست بر محمد و آلش که پاکان و نیکان و برگزیدگان عالمند که بر ما واجب کردی حقوقشان را و طاعت و محبتشان را فرض نمودی * خدایا درود فرست بر محمد و آلش و قلب مرا به طاعتت پر نور و معمور ساز و مرا به عصیان خود رسوا و خوار مگردان * و روزیم کن که مواسات کنم با فقیران که رزقشان تنگ نمودی به وسعتی که از فضل و کرمات

به من عطا کردی تا عدالت تو را منتشر گردانم و مرا زنده بدار در سایه
عنایتت...»

یارب به محمد و علی و زهرا یارب به حسین و حسن و آل عبا
از لطف برآر حاجتم در دو سرا بی‌منت خلق یا علی الاعلا